

به عنوان مثال خداوند مهربان؛ حکیم؛ عالم؛ قدرتمند و... است و انسان می تواند مهربان؛ حکیم؛ عالم؛ قدرتمند و... باشد ولی این صفات در خداوند مطلق و در انسان محدود ولی قابل تکامل و پرورش است و چون این صفات خداوند همگی بی نهایت است؛ انسان هر چه این صفات را در خود تکمیل کند همواره جا برای رشد و تکامل بیشتر وجود دارد و این موضوع در قیامت نیز نداوم خواهد داشت.

کسب این صفات (ارتباط) حتی در اموری مانند خلق و روح بخشی هم ممکن است اتفاق بیفتد. این که در قرآن می خوانیم حضرت مسیح به اذن الهی پرنده ای از گل می ساخت و در آن می دمید و زنده می شد، کور مادرزاد و مبتلایان به پستی را شفا می داد و مردگان را زنده می کرد (آل عمران/۴۹) و یا درباره امام رضا علیه السلام روایت شده است که شیر روی پرده را به اذن الهی جان داد و طبق اعتقاد شیعه امام معصوم صدای همه متوسلین را در یک زمان جداگانه می شنود و مثال های متعددی که در آیات و روایات وجود دارد، و یا تخلیه روح که توسط عرفا و اولیاء انجام می شود؛ همگی مربوط به همین اتصال روح است.

اطاعت کن تا اطاعت شوی

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «ای پسر آدم، من زنده ای هستم که نمی میرم؛ از من درباره آنچه به تو فرمان داده ام اطاعت کن تا این که تو را زنده ای قرار دهم که هرگز نمیری. ای پسر آدم، من به هر چه بگویم باش، موجود می شود؛ از من درباره آنچه به تو فرمان داده ام اطاعت کن تا تو را چنان قرار دهم که به چیزی بگویی باش، پس موجود شود». (شبیه این روایت برای اهل بهشت نیز وارد شده است)

و نیز می فرماید: «ای داود به ساکنان زمین بگو به درستی که من... مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند». (شبیه این روایت در حدیث فرشته داعی در ماه رجب آمده است)

ارزشت را بشناس تا هلاک نشوی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده اند:

۱- هَلْكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ - انسانی که اندازه خود را نشناخت، هلاک شد.

۲- مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنْهَا بِالْفَاقِيَّاتِ -

کسی که ارزش خود را بشناسد خویشتن را با امور فناپذیر خوار نخواهد کرد.

بسم الله الرحمن الرحيم

روح الهی

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۸)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ. (۹)

او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. (۷)

سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. (۸)

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم ها و دل ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت های او را بجا می آورید. (۹) (سوره سجده)

انس با قرآن (اعجاز قرآن از جنبه هنری و زیبایی - قسمت سوم)

حلاوت قرآن: حلاوت قرآن یعنی شیرینی و تناسبش با ذائقه انسان به طوری که سیر ناشدنی است. خود تلاوت قرآن موضوعیت دارد، به خاطر اثری که در خصوص تلاوت قرآن موجود است یعنی همان معنی را اگر شما از زبان دیگر بشنوید آن اندازه در شما اثر نمی گذارد که از زبان قرآن بشنوید. جنبه اعجاز آمیزی اش همان جنبه زیبایی آن است، همان جنبه تناسب فوق العاده و تحریک فوق العاده ای است که این کلام می تواند در روح شنونده ایجاد کند.

زیبایی معنوی: یکی از وجوه اعجاز قرآن زیبایی الفاظش است ولی این زیبایی الفاظ، مجزا از زیبایی معنوی قرآن نیست. هر زیبایی با یک نوع از احساسات انسان مطابقت دارد. موسیقی زیبایی ای است که گوش آن را احساس می کند. مناظر زیبایی ای است که چشم با آن ها سر و کار دارد. ولی زیبایی قرآن با احساس معنوی انسان، یعنی آن احساسی که توجه انسان را به عالم بالا تحریک و تهییج می کند. سروکار دارد.

واژگان

بَدَأَ: آغاز کرد

جَعَلَ: قرار داد

مَّهِينٍ: (مهن) پست و حقیر

سَوَّاهُ: (سوی) (موزون - مساوی) تکمیل کرد آن را

نَفَخَ: دمید

أَفْئِدَةً: دل ، قلب

مراحل شگفت‌انگیز آفرینش انسان

آیه اول اشاره‌ای به نظام احسن آفرینش به طور عموم، و سرآغازی برای بیان خلقت انسان و مراحل تکامل او به طور خصوص است، (اللّٰهُ اَحْسَنُ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ).

به‌عنوان مثال هر یک از دستگاه‌های بدن انسان از نظر ساختمان، حجم، وضع سلول‌ها، طرز کار آن‌ها، درست آن‌گونه آفریده شده است که بتواند وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد، و در عین حال آن‌چنان ارتباط در میان اعضاء قرار داده که همه بدون استثناء روی یکدیگر تاثیر دارند، و از یکدیگر متاثر می‌شوند. و درست همین معنی در جهان بزرگ با مخلوقات بسیار متنوع، حاکم است.

سپس می‌فرماید: «خداوند آغاز آفرینش انسان را از گل قرار داد» تا هم عظمت و قدرت خود را نشان دهد که آن چنان مخلوق برجسته‌ای را از چنین موجود ساده‌ای آفریده و هم به این انسان هشدار دهد که تو از کجا آمده‌ای و به کجا خواهی رفت.

آیه بعد به آفرینش نسل انسان و چگونگی تولد فرزندان آدم در مراحل بعد اشاره کرده می‌گوید: «سپس خداوند نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر قرار داد.

آیه بعد اشاره است به مراحل پیچیده تکامل انسان در عالم رحم، و همچنین مراحل که آدم به هنگام آفرینش از خاک طی نمود، می‌فرماید: «سپس اندام انسان را موزون ساخت» (ثُمَّ سَوَّاهُ). «و از روح خویش در او دمید» (و نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِهِ).

قرآن در آخرین مرحله که پنجمین مرحله آفرینش انسان محسوب می‌شود اشاره به نعمت‌های گوش و چشم و قلب کرده است،

البته منظور در اینجا خلقت این اعضاء نیست چرا که این خلقت قبل از نفخ روح صورت می‌گیرد، بلکه منظور حس شنوایی و بینایی و درک و خرد است. و تکیه بر این سه، به خاطر این است که مهم‌ترین حس ظاهری انسان که رابطه نیرومندی میان او و جهان خارج برقرار می‌کند، گوش و چشم است، گوش اصوات را درک می‌کند و چشم وسیله دیدن جهان خارج و صحنه‌های مختلف این عالم است. نیروی عقل و خرد نیز مهم‌ترین حس باطنی انسان و یا به تعبیر دیگر حکمران وجود بشر است.

دمیدن روح الهی

اضافه «روح» به «خدا» به اصطلاح «اضافه تشریفی» است، یعنی یک روح گران‌قدر و پر شرافت که سزاوار است روح خدا نامیده شود. خداوند در آیه دیگری می‌فرماید:

«فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ - هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید». (ص/۷۲ و حجر/۲۹) یعنی دلیل سجده بر آدم روح الهی بود که در وجود او قرار داده شد.

خدایی شدن انسان

چون روح انسان الهی است بر طینت اسلام و صفات خوب متولد می‌شود، به همین دلیل دروغ، غیبت، تهمت، ظلم، دست‌اندازی به اموال و ناموس دیگران و به طور کلی همه‌ی بدی‌ها در تمام جوامع (حتی اگر دین به آن‌ها نرسیده باشد) زشت و همه‌ی خوبی‌ها مورد علاقه است.

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌و‌آله‌وسلم فرمود: «هر مولودی مطابق با فطرت خود خلق می‌شود (مسلمان) و پدر و مادرش هستند که او را یهودی، نصرانی و مجوسی تربیت می‌کنند». (البته روایات متعددی در این خصوص و تولد بر محبت امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده است).

اما انسان در هنگام تولد از هرگونه علمی که برایش قابل استفاده باشد تهی است؛ (وَ اللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا - و خداوند شما را از شکم مادران‌تان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید - نحل/۷۸) ولی از سرشت ویژه‌ای برخوردار است که فطرت توحیدی او است (فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا - این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده - روم/۳۰) و ابزار تحصیل علم را در اختیار دارد (جَعَلْ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ - برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد) اگر این‌ها را به‌کار گیرد روح الهی او شکوفا می‌شود.

به عبارتی دیگر اگر چه صفات خداوند مطلق و مخصوص او است اما انسان با داشتن روح الهی این استعداد را دارد که به اذن او، صفاتی شبیه خداوند را داشته باشد.

این ارتباط توسط امام صادق علیه‌السلام چنین بیان شده است: «حقیقت این است که اتصال روح مؤمن به روح خدا، شدیدتر است از اتصال شعاع خورشید به خورشید».